

# مسائل روز

## دورنمای تیره صلح در خاورمیانه

دنیا سال ۱۹۸۷ میلادی را با امیدهای بسیار درباره امکان برقراری یک صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه آغاز کرد، ولی همه این امیدها که با سفر تاریخی و شجاعانه سادات به اسرائیل آغاز شد، در سه ماهه اول سال بر باد رفته و هرچند توانائی اعراب برای آغاز یک جنگ جدید با اسرائیل مورد تردید است، دورنمای صلح در خاورمیانه از هر زمان دیگری تیره تر به نظر می رسد.

انور سادات رئیس جمهوری مصر با سفر شگفت انگیز خود به اسرائیل در اواخر سال ۱۹۷۷ و شناسائی موجودیت و حاکمیت اسرائیل پیش از گرفتن کمترین تضمین و امتیازی از آنکشور به بزرگترین فداکاری و ریسک سیاسی که از یک رهبر عرب انتظار میرفت دست زد، ولی مناهیم بگین نخست وزیر اسرائیل نه فقط به ابتکار صلح سادات پاسخ شایسته و امیدوارکننده ای نداد، بلکه با پافشاری در حفظ سرزمینهای اشغالی اعراب و خودداری از شناسائی حقوق حقه ملت فلسطین و اقدامات تحریک آمیزی از قبیل ایجاد شهرکهای جدید اسرائیلی در مناطق اشغال شده شانس هرگونه سازش و مصالحه محدودی را هم با مصر از میان برد. حمله گروهی از کماندوهای سازمان آزادی بخش فلسطین بخاک اسرائیل در اواخر اسفندماه گذشته بهانه تازه ای به دست اسرائیل داد تا با اقدام به وسیع ترین عملیات نظامی از جنگ ۱۹۷۳ به اینطرف سرتاسر جنوب لبنان را تحت اشغال خود در آورد و برمتصرفات خود در سرزمینهای اعراب بیافزاید.

تجاوز به خاک لبنان، که با استفاده از مخربترین سلاحهای کشتار دسته جمعی مانند بمبهای خروشه ای ساخت آمریکا همراه بوده و موجب قتل هزاران نفر و بی خانمانی صدها هزار لبنانی شده است، نفرت و خشم بی سابقه ای علیه اسرائیل در جهان بوجود آورده و موقعیت بین المللی اینکشور را بیش از پیش تضعیف کرده است. در چنین فضائی بود که شورای امنیت سازمان ملل متحده به پیشنهاد آمریکا و کشورهای غربی قطعنامه ای درباره استقرار فوری نیروهای ملل متحد در جنوب لبنان و تخلیه این کشور از نیروهای اسرائیل به تصویب رسانید، ولی با وجود استقرار نیروهای ملل متحد در جنوب لبنان که از سربازان فرانسوی و ایرانی و سوئدی و نروژی تشکیل شده، نیروهای اسرائیل هنوز حاضر به تخلیه کامل سرزمینهای اشغالی خود در این کشور نشده اند.

انعطاف ناپذیری اسرائیل در برابر اقدامات صلحجویانه سادات و تجاوز

اخیر این کشور به خاک لبنان روابط آمریکا و اسرائیل را هم بطور جدی به مخاطره انداخته و اختلافات رهبران دو کشور در جریان سفر اخیر نخست وزیر اسرائیل به آمریکا که بلافاصله پس از تجاوز به جنوب لبنان صورت گرفت کاملاً آشکار بود. مذاکرات کارتر و بکین در محیط سردی که در ملاقاتهای رهبران آمریکا و اسرائیل سابقه نداشت جریان یافت و چون در هیچ مورد بین رهبران دو کشور توافقی حاصل نشد، برخلاف معمول اعلامیه مشترکی هم در پایان این مذاکرات انتشار نیافت. اختلافات آمریکا و اسرائیل با اظهارات وزیر امور خارجه آمریکا در کنفرانس مطبوعاتی که پس از پایان مذاکرات کارتر و بکین تشکیل شد علنی شد، بطوریکه نخست وزیر اسرائیل مجبور شد در بازگشت از واشنگتن از پارلمان اسرائیل رای اعتماد بخواهد و اکثریت پارلمان اسرائیل به نشانه ابراز مقاومت در برابر فشار آمریکا برای برکناری بکین به وی رای اعتماد داد.

با وجود این بحرانی که بدنبال تحولات اخیر در روابط آمریکا و اسرائیل در این کشور بوجود آمده قابل انکار نیست. برای نخستین بار در عمر سی ساله اسرائیل دهها هزار نفر از مردم این کشور، که اکثریت آنها سربازان و افسران سابق ارتش اسرائیل هستند به خیابانها ریخته و به تظاهرات وسیعی برای صلح دست زده اند. البته اکثریت رای دهندگان اسرائیلی هنوز هم به اصل لزوم تخلیه سرزمینهای اشغال شده و شناسائی حقوق حقه فلسطینیها که دورکن اصلی برقراری يك صلح واقعی در خاورمیانه است معتقد نیستند، ولی آغاز نهضت «صلح - همین حالا» در اسرائیل و صداهای مخالفی که علیه سیاست آشتی ناپذیر بکین از داخل اسرائیل بگوش میرسند، امید تغییراتی را در حکومت یا سیاست اسرائیل افزایش میدهد.

اگر تغییری در جهت واقع بینی و انعطاف در سیاست اسرائیل روی ندهد، موقعیت سادات و رهبران میانه رو دیگر عرب که از سیاست صلحجویانه او در برابر اسرائیل حمایت کرده اند بخطر خواهد افتاد و سقوط احتمالی سادات، یا بازگشت او به جبهه کشورهای طرفدار شدت عمل در برابر اسرائیل بحران های تازه ای را در خاورمیانه بدقبال خواهد آورد.

## اوپك و معمای دلار

سقوط مداوم ارزش برابری دلار با ارزهای معتبر بین المللی بحران جدی و تازه ای در روابط کشورهای صنعتی و ممالک در حال رشد - و همچنین بین آمریکا و کشورهای دیگر صنعتی که ارزش پول آنها در برابر دلار بالا میرود به وجود آورده و خطر بروز يك بحران نفتی دیگر را نیز افزایش داده است. آمریکائیا ظاهراً بطور عمد از حمایت دلار در برابر ارزهای دیگر

بین‌المللی خودداری میکنند تا اولاً از واردات کالاهای خارجی به آمریکا (مخصوصاً کالاهای صادراتی ژاپن) به علت افزایش بهای آنها بکاهند و ثانیاً صادرات خود را به خارج، بعلت ارزانی نسبی و افزایش قدرت رقابت با کالاهای ساخت اروپا و ژاپن افزایش دهند و از این طریق کسری موازنه پرداخت‌های آمریکا را که در سال ۱۹۷۷ از مرز سی میلیارد دلار گذشته است جبران کنند.

کشورهای صنعتی اروپا و ژاپن که ذخائر ارزی فراوانی به دلار دارند از یکسو بعلت کاهش مداوم ارزش این ذخیره‌ها نگرانند و ازسوی دیگر بعلت کاهش قدرت رقابت کالاهای صادراتی خود با کالاهای صادراتی آمریکا بینناکند، زیرا ادامه این وضع قسمتی از بار کسری موازنه بازرگانی خارجی آمریکا را بردوش آنها تحمیل خواهد کرد و شکوفائی و رونق اقتصاد ژاپن و کشورهای پیشرفته صنعتی اروپا را متوقف خواهد ساخت.

اما بزرگترین ستم در این میان به کشورهای صادرکننده نفت وارد میشود که از یکسو کمپانی‌های نفتی، نفت آنها را به دلار خریداری و به ارزهای دیگر به خریداران میفروشند و ازسوی دیگر دلاری که عاید کشورهای صادرکننده نفت میشود در یکسال اخیر عملاً پانزده تا بیست درصد قدرت خرید خود را از دست داده است.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) بدنبال مذاکرات شاهنشاهی و پوزیدنت کارتر و در نتیجه پافشاری ایران و عربستان سعودی از افزایش قیمت نفت در سال جاری مسیخی خودداری کرد تا به کشورهای صنعتی غرب فرصتی برای ترمیم وضع اقتصادی خود بدهد، ولی کاهش ارزش دلار در اواخر سال ۱۹۷۷ و سه‌ماهه اول سال جاری کار را بجائی رسانده است که نفت عملاً پانزده تا بیست درصد ارزانتر از سال گذشته بفروش میرسد و در چنین شرایطی برای کشورهای عضو اوپک چاره‌ای باقی نمانده است جز اینکه یا قیمت نفت خود را به‌همین نسبت افزایش دهند، و یا نسبت افزایش و کاهش بهای آنها به نوسان نرخ دلار مربوط سازند. راه حل سومی که باقی میماند اینست که بهای نفت با یک ارز معتبر دیگر بین‌المللی (غیراز دلار) محاسبه شود. در این مورد پیشنهاد شده است که حق برداشت مخصوص صندوق بین‌المللی پول که برهمنای ارزش شانزده ارز معتبر بین‌المللی محاسبه میشود ملاک تعیین بهای نفت قرار بگیرد، ولی در صورت اجرای این پیشنهاد هم نفت قیمت واقعی خود را باز نخواهد یافت، زیرا ارزش دلار به‌تنهایی بیش از سی درصد نرخ محاسبه حق برداشت مخصوص را تشکیل میدهد و چون ارزش بسیاری از ارزهای مورد قبول در تعیین حق برداشت مخصوص نیز تابع ارزش دلار است، محاسبه قیمت نفت با حق برداشت مخصوص حداکثر تا پنجاه درصد مشکل فعلی کشورهای صادرکننده نفت را حل خواهد کرد.